

ارزشها و حسابداری

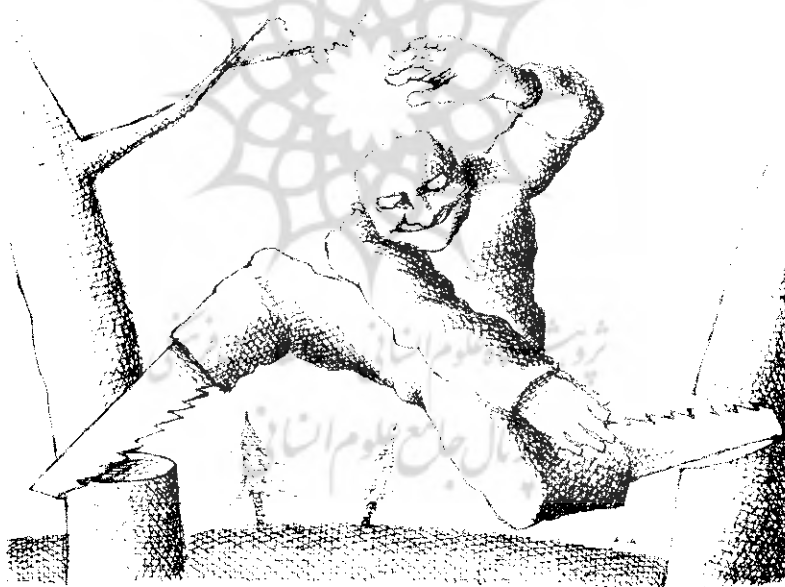
واگرایی‌ها در تفکر اخلاقی نسبت به حسابداری محیط زیست

تحت نام سرد خالص، مازادهای بودجه و تولید ناخالص ملی است که محیط زیست طبیعی، زیستگاه مشترک همه ما، به نابودی کشانده می‌شود.

هاینس (Hines, 29 : 1991)

Catherine Gowthorp

ساسان مهرانی
امیر پوریان‌سب



کرده‌اند. رویکردی که به یک حسابداری بسیار معیوب از فعالیتهای تجاری انجامیده است. دیگر اندیشمندان به مسئله حاکم بر رویکرد علمی به تفکر^{۱۱}، که در حدود سه قرن بر شیوه تفکر غرب حکمفرما بوده است، پرداخته‌اند. فلسفه دکارت^{۱۲}، یک تقسیم‌بندی بین جان و تن^{۱۳} قائل است. این فلسفه تا به امروز برجای مانده و به رویکردهای

ماشین‌وار انگارانه (مکانیکی)^{۱۴}، تحویل‌گرا^{۱۵} و تحلیلی^{۱۶} انجامیده است؛ تقسیم‌بندی جان و تن به دانشمندان مجال می‌دهد که ماده را مرده و بی‌جان و سراسر از خود متفک بیندارند. کاپرا^{۱۷} نفوذ آن را بر اندیشه علمی این‌گونه شرح می‌دهد: «در اثر این تقسیم‌بندی (کارتزین)، این باور حاکم بود که دنیا را می‌توان به‌طور عینی، یعنی فارغ از^۳ مشاهده‌گر انسانی، توصیف کرد و همین

همگان اقرار دارند که زمین در بحران بسر می‌برد. دلیل این امر تخریب و نابودی محیط زیست^۲ در اثر بهره‌برداری بی‌حد و حصر نوع بشر از منابع آن است. دانشمندان کم و بیش بر سر سه مسئله همداستانند: اول، تنوع زیستی^۳ به دلیل انقراض سریع انواع^۴ در معرض تهدید قرار دارد، دوم، گرم شدن جهان واقعی است که به طور قطع پیامدهای

نامساعد و وخیم (مانند اثرات گلخانه‌ای^۵) در بر دارد (لگت^۶ ۱۹۹۰ : ۴۶۱)، و سوم، بومهای^۷ انسان و دیگر حیوانات در معرض خطر قرار دارد (وودول^۸ ۱۹۹۰ : ۳۲-۱۱۶). در این مقاله، نویسنده نقش و سهم حسابداران در مسایل زیست‌محیطی (که در چنبره آن گرفتاریم)، و امکان یافتن راه برون‌شو از این مسایل را بررسی خواهد کرد.

حسابداری: بخشی از مسئله؟

تا آنجا که می‌دانیم از وقتی فعالیتهای تجاری در معرض پژوهشهای انتقادی قرار گرفته است، به دفعات به نقش اقتصاددانها و حسابداران در سرعت بخشیدن به مرگ دنیا^۹ اشاره شده است. بسیاری از اندیشمندان یک پیوند بین اقتصاد نوکلاسیک و رویکرد کورکورانه^{۱۰} به معیارهای سنجش رضامندی شرکتها و انسانها مشاهده

توصیف عینی از طبیعت، قبله آمال همه علوم شد. علوم اجتماعی نیز به همان اندازه، چه بسا بیشتر، مسئله انگیزند؛ **فلاهی** برگ به یک مشکل عمومی در قلمرو علوم اجتماعی پی برده است: "به‌رغم آن که خط فکری علوم اجتماعی طی قرون و اعصار کوشیده است تا خود را به مثابه علمی معرفتی معرفی کند اما هنوز به این حقیقت پی نبرده است که کمال مطلوب معرفت چیزی جز **خطای حس**^{۱۸} نیست" (۱۹۹۳: ۱۶). این غفلت بالاخص در وادی حسابداری به چشم می‌خورد، بیرکین^{۱۹} (۱۹۹۶) ضمن مباحثات به اینکه قدمت حسابداری به قبل از دکارت باز می‌گردد، پیوندی بین حسابداری و تصور کارترین^{۲۰} از دنیای طبیعی بی‌روح و ماشینی^{۲۱} را جستجو و توصیف کرده است.

بر همه کسانی که شناختی از موضوع دارند پوشیده نیست که حسابداری و کارورزان^{۲۲} آن به آرمان توصیف عینی^{۲۳} وفادارند. عینیت‌های مورد پسند حسابداری، که در چارچوب‌های مفهومی نیز توصیف شده عبارتند از: عینیت، بی‌طرفی و ثبات رویه (همسازی)، و همه آن صفت‌هایی که احساس می‌شود سهمی در قبال آرمان عقلانیت علمی حسابداری به عهده دارد. البته، در وادی عمل، این عینیتها در استحاله خود، هم به دور از دسترس و هم ویرانگر است. با وجود این، حسابداران هنوز با فنون محاسباتی احساس آسودگی می‌کنند و به تصور تبدیل و احاله مجموعه‌های پیچیده از معاملات به گزارش صورت‌بندی شده و معقول از امور، دل خوش دارند. این تصویر حسابداری کاملاً با نحوه تفکر علمی و عقلانی رایج تناسب دارد.

مدل اقتصاد نوکلاسیک در کانون خود تصویری از اقتصاد دارد که بر آن اساس آدمی (اصولاً مرد) از روی عقل می‌کوشد تا فایده^{۲۴} یا نیکبختی^{۲۵} خود را بیشینه سازد. این تصور اولاً، از سرچشمه فایده‌گرایی^{۲۶} شخصی سرریز می‌شود، ثانیاً، محاسبه‌پذیر و به ظاهر عقلانی است، و ثالثاً، در بازارهای آزاد فارغ از ناقرینگی اطلاعات^{۲۷} به نحو احسن عمل می‌کند. ویلیامز^{۲۸} خاطر نشان می‌کند که "فایده‌گرایی بی‌آن که شگفت بنماید دستگاهی ارزشگذار برای جامعه‌ای است که در آن ارزشهای اقتصادی در منتهای آمال قرار دارد" (۱۹۷۲: ۱۰۲). تفکر

فایده‌گرا اُس و اساس حسابداری سنتی را رقم می‌زند و حسابداران نیز با آن در قالب‌هایی چون تحلیل بها-مزایا، قیمتگذاری حاشیه‌ای (نهایی) برای تصمیم‌سازی و دیگر فنون ارزیابی طرح‌های مالی آشنایند. اما این فنون را نمی‌توان در خلا به کار بست: بنا به نظر گری و همکاران^{۲۹}، "گزینش همواره باید با عناصر اخلاق قرین باشد... اقتصاد سنتی و حسابداری کوشیده‌اند تا تصمیمات را از اخلاق تهی کنند اما نباید چشم بر این واقعیت بست که هنوز هم تصمیمات چیزی جز گزینش‌های اخلاقی نیستند" (۱۹۹۶: ۲۱).

یکی از قانع‌کننده‌ترین ایرادهای وارد به فایده‌گرایی این است که اندازه‌گیری برآمدها^{۳۰} در زمانی پیش از وقوع رویدادها امکان‌پذیر نیست. براساس این ایراد، اجرای تصمیمات پیشینی^{۳۱} (قبل الوقوع) بر شالوده برآمدهای فرضی (خیالی)، بسیار شک‌برانگیز و سست بنیان است. ویلیامز اظهار می‌کند که: "فایده‌گرایی مستلزم تقاضای بسیار برای اطلاعات تجربی فرضی درباره ترجیحات مردم است و این اطلاعات نه تنها به مقدار زیاد در دسترس نیست بلکه در هاله‌ای از مشکل مفهومی قرار دارد" (اسمارت^{۳۲} و ویلیامز^{۳۳}: ۱۹۷۳: ۱۳۷).

حسابداران متفکر و نقاد بهتر از هر کسی به محدودیت‌های پیشه خود واقفند: حتی پس از وقوع رویدادها و معاملات، فنون حسابداری تنها تقریبی نزدیک از حساب‌های مربوط به دست می‌دهد. این حقیقت انکارناپذیر است که در اکثر بخش‌های دنیا حسابداران به جای توافق بر سر فنون بهتر، هنوز از گونه‌ای مدل حسابداری بهای تاریخی^{۳۴} استفاده می‌کنند که عمیقاً نارضایت‌بخش است. این حقیقت می‌رساند که مدل بهای تاریخی ارقامی را تولید می‌کند که بی‌معنی است. چنانچه بخواهیم ماهیت حسابداری گزینشگر را بازجویم، آنگاه مسئله حادث‌تر خواهد شد؛ زیرا فقط معاملاتی به معادله حسابداری راه می‌یابند که به سادگی قیمتگذاری می‌شوند. کار (دستمزد) و مواد قیمتی دارد. این قیمت معرف ارزش مبادله آنها در بازار است. اما در حسابداری این ارزشها فقط و فقط به دو مقدار محدود می‌شود: اول، قیمت‌هایی که با ارزش کمتر به محصول منظور می‌شود، و دوم، و شاید

مهمتر از اولی، ارزشها فقط به اقلامی تعلق می‌گیرد که تحت تملک قرار دارد. بنابراین، در مورد اول اگر در گذشته ارزشی به یک محصول منتسب شده باشد، ممکن است در آینده در عطف به ماسبق معلوم شود اشتباه بوده است. برای مثال، بنگاهی را مجسم کنید که در امر حفاظت کارکنانش در برابر گردوغبارهای آزیستی^{۳۴} (پنبه نسوز) از استانداردهای ایمنی عدول کرده است، یا جاهل به ضرورت آنها بوده است. این امکان وجود دارد که در سالهای بعد بنگاه مزبور محکوم به پرداخت هزینه‌های جبرانی به کارگران یا وابستگان آنها گردد. در چنین موردی، بهای واقعی کار (دستمزد) چقدر بوده است؟ اما مورد دوم حکایتی دیگر دارد، به این معنی که شرکتها ارزش طیف گسترده‌ای از اقلام "مصرفی" خود را مانند هوای تازه، بومهای طبیعی و دیگر کیفیات زندگی انسانی، نادیده می‌انگارند. اگرچه مالکیت این موهبات در بازار مبادله نمی‌شود اما آنها ثروتی هستند که طبیعت در کمال سخاوت به ما عرضه می‌دارد. گری^{۳۵} با بیان گزاره‌ای استنادانه تمام گریزگاهها و منافذ را به روی حسابداری می‌بندد: "با ثبت و گزارش معاملات که صرفاً قیمت دارند، پای حسابداری کاملاً به انهدام محیط زیست پیرامون ما کشانده می‌شود" (۱۹۹۰: ۳۸۳). حتی نگاهی گذرا به مقیاس بها^{۳۶} ما را به این فرض (راهی) بسیار هموار برای حسابداران) رهنمون می‌سازد که سودهای مورد گزارش مانند داستانهای تخیلی هستند، زیرا، در مقایسه با مدل‌های نگهداشت سرمایه^{۳۷}، ما از قبل می‌دانیم که در زمان افزایش قیمتها، اغلب اقلام به طور ناخالص بیش اظهار می‌شوند.

مسئله دیگر در تقویم برآمدها^{۳۸} بروز می‌کند. در حسابداری (و اقتصاد) در مواقع تصمیم‌سازی از مقیاس زمانی کوتاه‌مدت سنتی استفاده می‌شود. یکی از پرچالشترین رخساره‌های تفکر حاکم بر مسایل زیست محیطی، بررسی درست حقوق مالی درون تولیدی^{۳۹} (سودهای انباشته) است. در کلاسهای درس به ما می‌آموزند که فقط اثرات این حقوق مالی را بر یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه محاسبه و پیش‌بینی کنیم. رندرز^{۴۰} و میدوس^{۴۱} این نکته را با تنزیل بها و مزایا در طول زمان با

مثال نشان داده‌اند. در محاسبات آنها "در واقع ارزش صفر به هر چیزی نسبت داده شده که پس از ۱۲ سال از زمان صفر رخ خواهد داد" (۱۹۹۳: ۴۷۳). البته، دلیل مهم تمرکز اندازه‌های حسابداری بر کوتاه‌مدت این است که تقریباً پیش‌بینی برآمدها برای دوره‌های طولانی امکان‌پذیر نیست. از این رو، حسابداری، بنا به دلایل صرفاً عملی، و شاید عجیب به کار بست فایده‌گرای خود محدود است.

از قدیم، مسایل و ملاحظات زیست محیطی در حسابداری و اقتصاد با بی‌مهری روبرو بوده است. از منظر این دو حوزه دانش مسایل زیست محیطی بیگانگان^{۴۲} هستند. به این معنا که حسابداران با پرهیز از آنها احساس ایمنی می‌کنند، همچون کودکی که از بیگانه‌ها دوری می‌جوید. در حرفه‌ای که هنوز نتوانسته بر سر مسایل نسبتاً ساده، همچون سرقتی تحصیل یک شرکت تابع، به اجماع دست یابد، ناتوانی در بازشناسی^{۴۳} مسئله محیط زیست شگفت‌آور نیست. اما بی‌انصافی است اگر بگوییم که موضوعات زیست محیطی سر به سر در صورتهای مالی (تهیه شده از فعالیتهای اقتصادی) انعکاس نمی‌یابد؛ در واقع، تعداد شرکتی‌هایی که از روابطشان با محیط زیست گزارش تهیه می‌کنند رو به افزایش دارد، گرچه هنوز از مبدا فاصله‌ای چندان نگرفته و در آغاز راه است (گری و همکاران ۱۹۹۵: ۵۷). با وجود این، شرکتها از راه گزارشدهی در صدد برآوردن اهداف متفاوت هستند، از جمله بهبود در روابط عمومی.

در طول ۳۰ سال گذشته، نویسندگان زیادی از شاکله‌های سنتی عقلانیت اقتصادی^{۴۴} انتقاد کرده‌اند. شوماخر^{۴۵}، یکی از متفکرترین و شاید یکی از اولین‌های آنها است؛ وی مسایل حاکم بر انهدام و نابودی محیط زیست را در پیوندی ناگسستنی با اقتصاد و بالتبع با اندازه‌های حسابداری^{۴۶} می‌بیند: "اعتقاد رایج ... آن است که ... اساساً نفع مشترک در صورتی بیشینه خواهد شد که هر کس ... تقلا کند تا نرخ بازده قابل قبولی از سرمایه صرف شده کسب کند" (شوماخر ۱۹۷۴: ۳۵). او این مسئله را در مناسبات اخلاقی جستجو می‌کند: "تا به حال حکمت و خرد در کانون اقتصاد، علم و فن‌آوری

قرار داشت، اما اکنون معنویات و اخلاق به سمت موقعیت کانونی در حرکت است" (در همان ماخذ: ۲۶). گرز^{۴۷}، فیلسوف فرانسوی، موکداً تاکید کرده است که: "به مجرد این که شما برآن می‌شوید تا ثروت را در قالب وجه نقد اندازه‌گیری کنید، حد بسنده^{۴۸} وجود ندارد... حسابداری با مقولات بیش^{۴۹} و کم^{۵۰} انس دارد اما از آن بسنده چیزی نمی‌داند!" (۱۹۸۲: ۱۱۲)، هر دو نویسنده راههایی را برای تحدید شیوه زندگی غرب^{۵۱} و نیز در مرتبه‌ای پایینتر (با توجه به مادیات) راههای باز تعریف^{۵۲} نیازهای ما را پیشنهاد می‌دهند؛ آنها مبلغان و مدافعانی نیرومند برای نوعی از زیست محیط‌گرایی هستند که خواهان تغییر ریشه‌ای در ارزشهای اخلاقی و مادی است.

اورمورد^{۵۳} در چالش با درست‌آیینی^{۵۴} اقتصاد نوکلاسیک به نقشی که عموم به آدم اسمیت^{۵۵} نسبت می‌دهند به دیده تردید می‌نگرد (۱۹۹۴: ۳۴). متأسفانه فقط بخشی از اثر اسمیت، که به اهمیت بازارهای آزاد مربوط است، نزد عموم شهرت یافته است؛ اما بخش دیگر، نظریه احساسات اخلاقی^{۵۶}، در محاق مانده است. این اثر به روشنی به شرایط اخلاقی‌ای می‌پردازد که براساس آن افراد باید رفتار کنند. اورمورد، همچنین از رشد اقتصادی به مثابه فرزند ناخلف نظام دانشگاهی محاسباتی^{۵۷}، که در پرتو آن پژوهش اثباتی^{۵۸} بر پژوهش هنجاری^{۵۹} برتری دارد، انتقاد می‌کند. او همچنین از نظام دانشگاهی محاسباتی، که در سایه سار آن دامنه روش شناسیهای اثبات شده و پذیرفته به درست‌آیینی رایج محدود می‌شوند، انتقاد می‌کند.

رشته دیگر نقد در هیئت اقتصاد فمینیستی^{۶۰} نمایان شده است. ریتر^{۶۱} (۱۹۹۵) دو مسئله را بازجسته است: اول، ماهیت گوناگون و پیچیده برخی از براهین فمینیستی اخیر در حوزه‌های اقتصاد و حسابداری (البته با تکیه بر طیف گسترده‌ای از آثار که اظهار می‌کنند در اقتصاد و حسابداری نوعی سوگیری ذاتی مردانه^{۶۲} وجود دارد)، و دوم: گرایشهای مدل‌های اقتصادی به ناپیچانگاری ممیزات و خصوصیات زنانه. او فقر و ناتوانی حسابداری را در کار بست مدل‌های اقتصادی رایج در چیزهایی

می‌بیند که از این مدلها رانده شده‌اند. او خود چنین شرح می‌دهد:

"مدلهای اقتصادی زیربنای جهان بینی^{۶۳} اساسی حسابداران است. آنچه با سعی و تلاش برای آن حساب می‌کنیم، آنچه از سیستمهای خود رانده‌ایم، کسی که برای او حساب می‌کنیم، چگونگی تفکر ما نسبت به ارزشها و سودها، چگونگی تفکر ما درباره کنشهای مردم، و چگونگی تفکر ما درباره ساز و کارهای نظام کلی، همه و همه از تفکر اقتصادی سرچشمه گرفته است."

حسابداری: بخشی از راه حل؟

پس، چگونه باید دنیا، و به بیان دقیقتر، حسابداری دنیا را تغییر داد؟ بیشتر برون‌دادهای^{۶۴} دانشگاهی مرتبط با حسابداری زیست محیطی، سوگیری هنجاری^{۶۵} داشته‌اند. آنها وانمودی از آرمانهای طیفی گسترده از گروههای ذی‌نفع است که به قلمرو حسابداری پیوند خورده‌اند. با وجود این، سوگیری هنجاری اغلب به رویکردهای رایج محدود می‌شود؛ بنا بر اظهارات گری سوگیری هنجاری بر مشکل "ترجمان و تبدیل بصیرت بنیادی به پیشنهادات عملی" صحه می‌گذارد (۱۹۹۲: ۴۰۰). اگر ما ناگزیر باشیم از مدل حسابداری سنتی دست برداریم (گرچه به نظر ناخوشایند می‌آید)، سوال این است که چه چیز باید به جای آن بگذاریم؟ این سوال همان قدر اخلاقی است که سیاسی و عملی.

دو جناح فکری مخالف، و شاید سازش‌ناپذیر، در حول این مسئله وجود دارد که گرایش یکی بر رویکرد سبز پررنگ^{۶۶} و دیگری بر رویکرد سبز کم‌رنگ^{۶۷} است. این جناحها در جریان جنبش زیست محیطی^{۶۸} اعلام موجودیت کردند. پاور^{۶۹} در مورد نقش این دو گزینه مانع‌الجمع در توسعه حسابداری چنین بحث می‌کند: "با شخص باید صورتی از یک راهبرد ضد محاسباتی^{۷۰} را بپذیرد، مانند گرز و آرمانگرایان پاساننتی^{۷۱} یا باید با قواعد محاسباتی و حسابداری موجود کار کند" (۱۹۹۲: ۴۹۲). اولی معرف رویکرد سبز پررنگ و دومی سبز کم‌رنگ است. این دو رویکرد بدیل در متون دیگر به تفصیل توصیف شده است. اما

در اینجا ذکر خلاصه‌ای لازم است. این خلاصه درک پاره‌ای از انتخابهای فراروی ما را تسهیل می‌کند. اساساً، رویکرد سبزرنگ به فاجعه بوم شناختی^{۷۲} قریب‌الوقوع، رویکردی انقلابی است، زیرا بر روی مدل اقتصادی رایج و بالتبع حسابداری، خط بطلان می‌کشد. این رویکرد مستضمن پایانی بر انسان‌مداری^{۷۳} در اولویت‌بندیهای نوع بشر (مثلاً کنترل جمعیت اجباری که از دست‌آوردهای این رویکرد است، پایانی است بر وفاداری به انگاره رشد اقتصادی) و نیز تغییر خواسته‌های انسان به نیازهای انسان است. به نظر می‌رسد در چنین انقلابی پایه‌های نه چندان محکم حسابداری سنتی فرو خواهد ریخت و از آن استفاده اندکی خواهد شد (مئوندرس^{۷۴} و باریت^{۷۵}: ۱۹۹۱).

این رویکرد درصدد میراندن حسابداری است زیرا حسابداری را ابزاری موثر در ایجاد مسایل زیست محیطی می‌داند؛ منطق، علاقه و اخلاق حکم می‌کند که ما بپذیریم حسابداری ما را از کمند بحران زیست محیطی نمی‌رهاند. به جای آن که به انتظار پایان و مرگ غم‌انگیز حسابداری بنشینیم، انقلاب در تفکر حسابداری می‌تواند نوید حسابداری کاملاً متفاوت را بدهد. گویی، برای مثال مسئله زبان را به میان می‌آورد؛ زبان اقتصاد آن چنان اثری ژرف و پرمحتوا بر تفکر حسابداری داشته است که شامل درباره جهان‌بینی^{۷۶} بسدیل، به دلیل فقد واژه‌نامه درخور، مشکل می‌نماید: "ما (حسابدارها) فقط قادریم به چیزهایی ببندیشیم که برای آنها واژه داریم، و واژگان و مفاهیم ما در سیطره چارچوب اقتصاد نوکلاسیک قرار دارد" (۱۹۹۰: ۶-۳۵). کوپر^{۷۷} (۱۹۹۲)، به این مسئله از منظر فمینیستی می‌نگرد. او انگاره‌های حاکم بر کم تعددی و مهاجرت زبانها را بیش از پیش شرح و بسط می‌دهد. کوپر، به صراحت، قائل شدن نقشی وسیعتر را برای حسابداری رد می‌کند. در متن انتقادات اقتصاد نوکلاسیک، که پیشتر به آن پرداختیم، طرفداری و همنوایی با چشم‌انداز بدون مشارکت امکان‌ناپذیر نیست. هرگونه تلاش برای ارزشگذاری بیگانه‌ها (همانند محصولات)، از بعضی چشم‌اندازها معرف هتک حرمت و تحقیر (ضد اخلاقی) طبیعت است. اما در اینجا می‌توان به انتقادی

معنی‌دار اشاره کرد؛ امتناع از سهیم شدن در یک رویکرد جدید به اقتصاد و حسابداری و عمده‌اً در حاشیه ماندن، بی‌اندازه با سکون و بی‌تفاوتی قرین است و بدینسان آنچه به نظر می‌رسد نوعی پیمان بستن با وضع موجود و تصدیق آن است. چشم‌انداز سبزرنگ حاکی از کوششی سازشکارانه است؛ یعنی: کار کردن در محیط سیستم‌های فعلی و تغییر آنها از درون. این رویکرد، رشدیابنده^{۷۸}، تدریجی^{۷۹}، و نسبی^{۸۰} است؛ برای مثال، دولت‌ها می‌توانند با وضع سلسله‌ای از اهداف کوچک به حل و فصل حجم اسکناس در گردش بپردازند. از این چشم‌انداز، حسابداری طی یک فرایند تکاملی، به تدریج با محیط زیست سازگار می‌شود، چیزهایی به حوزه شمول آن وارد می‌شود که قبلاً وارد نمی‌شد و چیزهایی به حساب می‌آید و ارزشگذاری می‌شود که قبلاً به حساب نمی‌آمد و بالتبع ارزشگذاری نمی‌شد. اساساً، این رویکرد، مدل‌های نگهداشت سرمایه^{۸۱} را به فرا و ورای تعاریف ضعیف سرمایه عملیاتی بسط می‌دهد، و از این رهگذر ارزشهای طیف وسیعی از منابع طبیعی (مادی) و انسانی را در برمی‌گیرد. این دقیقه در گزارش پی‌یرس و همکاران^{۸۲} به سازمان محیط زیست^{۸۳} آمده است (۱۹۸۹). گزارش پی‌یرس براساس آرمان توسعه تحمل‌پذیر^{۸۴} تنظیم شده است؛ در این گزارش مرگ رشد اقتصادی بایسته تلقی نمی‌شود، اما به عوض پی‌یرس و همکاران معتقدند که باید موازنه‌ای بین "تعبیری ضعیفتر از رشد اقتصادی و کیفیت محیط‌زیست" برقرار گردد (۱۹۸۹: ۲۲). گزارش پی‌یرس به طور حتم گزارشی عمل‌گراست، و در آن مثالهایی از هر دو حسابداری محیط مادی^{۸۵} (که برحسب واحدهای منابع ارائه می‌شود) و حسابداری محیط پولی آمده است.

مدل حسابداری سبزرنگ به حسابداران مجال می‌دهد اولاً، شبکه حسابداری سنتی را بیش از پیش بگسترانند، ثانیاً، داده‌های مادی را در کنار داده‌های مالی گزارش کنند و ثالثاً از طریق حسابداری رشدیابنده، مضامین بیشتر و بیشتری را به گزارشها وارد کنند؛ این مدل، در بهترین حالت، رویکردی خوشبینانه و ثمربخش به تفکر حاکم بر حسابداری محیط زیست است. با

وجود این باب این مدل نیز به روی انتقادات گشوده است، و این تنها چیزی است که می‌توان در مقام نقد رویکرد فایده‌گرایی، که بر هر دو مدل سنتی و تکاملی حاکم است، اظهار کرد.

مدل تکاملی بر شالوده این فرض استوار است که تمام یا دست کم بیشتر چیزها (از جمله آنهايي که از قدیم به بیگانه‌ها شهرت یافته‌اند) را می‌توان به درون این مدل جذب کرد، و این امر به مسئولیت حسابداری بیشتر و تصمیم‌سازی واقع‌بینانه‌تر خواهد انجامید. اما این مدل مسایل و مشکلاتی را به دنبال می‌آورد. حسابداران، همانند ضد فایده‌گرایان^{۸۶} از روی تجربه و عمل (و نه غریزه) پی برده‌اند که بعضی چیزها را نمی‌توان ارزش گذاشت: "در امر طرح‌ریزی برای تصمیمات حفاظت محیط زیست، رفاه و اساساً تمام انواع تصمیمات اجتماعی، مجموعه‌ای از ارزشها وجود دارد (دست کم به لحاظ مفهومی) که آنها را می‌توان در قالب منابع کمی کرد، و در مقابل، ارزشهایی وجود دارند که برحسب منابع، کمیت‌پذیر نیست" (ویلیامز^{۸۷}: ۱۹۷۲: ۱۰۲). همچنین، همانطور که در بالا گفته شد، مدل‌های حسابداری در ذات خود مشکلی دارند و آن این است که آنها را نمی‌توان به قدر کفایت به آینده دور تعمیم داد. به عبارت دیگر نمی‌توان بر اساس آنها یک اندازه‌گیری منطقی و آگاهانه از برآمدها بدست داد.

مشکل دیگر مدل تکاملی به خطری باز می‌گردد که بسیار جدی است و آن مستثنی کردن بعضی ارزشها و معیارها از دیگر ارزشها و معیارها است. حسابداران از روی احساس و ناآگاهی تمایل دارند که به ارقام حسابداری (مانند عایدی هر سهم، بازده سرمایه صرف شده و نظایر آن) وزن و اهمیت نسبت دهند. بی‌رودروسی بگویم که این ارقام استحقاق این وزن و اهمیت را ندارد. سوال این است که اگر ارقام حسابداری گسترش یابند و به عرصه‌های بکر و دست نخورده کوچ کنند، آنگاه این تمایل چقدر بیشتر خواهد شد؟

یک راه برون‌شو از مسایل و مشکلات مدل تکاملی، خلع ید قدرت از ارقام حسابداری به دو طریق است: اول، قبول محدودیت‌های آنها و دوم، بهبود مسئولیت حسابداری صرفاً از طریق ارائه صورتهای روایی^{۸۸} (تشریحی یا توصیفی).

ادامه از صفحه ۶

ارزشها و حسابداری



کم‌رنگ) و وضعیت یک (رویکرد سبزپرنگ) فاصله گرفت و در مکانی در بین این دو وضعیت مستقر شد. بنابراین منطق فازی می‌تواند راه حلی برای انتقادات و مسایل دو رویکرد سبز کم‌رنگ و سبز پرنگ بگشاید.

ارزشها و حسابداری

هر قدر هم که انتقاد به فایده‌گرایی وارد باشد، ما نباید و احتمالاً نمی‌توانیم، به طور کلی از توجه به پیامدهای اعمال و کنشهای خود غفلت کنیم و به طور یقین نباید از مسئولیتهای اخلاقی خود بگریزیم. حسابداران مجبورند خود را برای بازشناسی محدودیتهای محاسباتی حسابداری مهیا کنند، و به لحاظ اخلاقی هم باید شهامت داشته باشند به این محدودیتهای اعتراف و آنها را مشخص کنند، ولو آن که بهای آن را با پرستیژ و اعتبار حرفه‌ای خود بپردازند. با وجود این ممکن است تلاشهایی که برای اندراج ملاحظات زیست محیطی در دل چارچوب مدل حسابداری سنتی انجام می‌گیرد، به باد فنا رود. ویلیامز می‌گوید:

پژوهشگران فشارها و مصائب زیادی را برای یافتن فنونی تحمل می‌کنند تا از آن طریق بتوانند دامنه گسترده‌ای از ارزشهای اجتماعی را بسنجند. اما بخشی از این کوشش باید صرف آموزش - یا بازآموزی، شاید از طریق چگونگی فکرکردن هوشمندانه درباره تضادهای موجود در میان ارزشهای سنجش‌ناپذیر - شود. (۱۹۷۲:۱۰۳)

فلای‌برگ، با پی‌گیری همین موضوع، و با بازگشفتن^{۹۲} فضیلت از دست رفته^{۹۳} فرونیسیس^{۹۴}، راه حلی به مسئله تحمل‌پذیری می‌گشاید، ارسطو معتقد بود که روح با طی طریق در پنج وادی، با تصدیق یا نفی، به حقیقت دست می‌یابد، یعنی: هنر (تکنه^{۹۴})، علم (ایستمه^{۹۵})، دوراندیشی یا حزم (فرونیسیس)، فرزاندگی^{۹۶} (سوفیا^{۹۷}) و شهود (نوس^{۹۸}) (اصول اخلاق / [ترجمه ۱۹۷۶]: ۲۰۶). ارسطو را باور بر این بود که فرونیسیس افضل فضایل است زیرا

واجد تمام دیگر فضیلتها است (این طرفه‌ای بسیار دلپذیر برای حسابداران است که فضیلت از دست رفته باید همان فضیلت احتیاط یا دوراندیشی باشد، زیرا جایگاه این مفهوم بنیانی در حسابداری رفیع و با اهمیت است). فلای‌برگ اظهار می‌کند که^{۹۹} از گذشته با چرخش دو یا سه کشور به عقل‌باوری^{۹۹}، فرونیسیس و عقلانیت ارزشی^{۱۰۰} به اعمال حاشیه‌ای بدل شدند^{۱۰۱} (۱۹۹۳: ۱۳). چنانچه حتی با او باشد، پس حسابداری و اقتصاد، به همراه دیگر علوم اجتماعی، چرخشی نادرست داشته‌اند. آنها کوشیده‌اند تا خواصی مانند علوم معرفتی^{۱۰۱} بیابند، اما ناکام مانده‌اند، و به همین دلیل ما را به سوء برداشت و خطا راهبر شده‌اند. هر آینه اگر علوم اجتماعی با فرونیسیس به کار بسته شود، سهمی بسزا در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فن‌آوری، بوم‌شناختی، سیاست و فرهنگ ایفا می‌کند، اما اگر به صورت ایستمه (علمی) به کار رود، سهم آنها اندک و ناچیز خواهد بود.

پس آنچه احتیاج است، انقلاب در روش تفکر و، عمل در علوم اجتماعی است. اما حسابداری، یک نمونه غامض است. اعمال حسابداری آنقدر با محاسبات عقلانی و منطقی عجین شده است که بسیاری از نظریه‌پردازان و کارورزان به آن به مثابه یک نظام علمی، مانند دیگر علوم محض، می‌نگرند. باور داشته باشیم که طرح تغییر و انقلاب پارادیمی در تفکر و عمل علوم اجتماعی ممکن است به دلیل فقد ابراز عملی یا مسیر دستیابی به آن ضعیف باشد. فلای‌برگ یک ضعف را بازشناسی کرده است:

"به نظر می‌رسد پژوهشگرانی که با روشهای فرونیسیس مانند^{۱۰۲} کار می‌کنند از یک غریزه و استعداد ذاتی برای پیشبرد پژوهش خود برخوردارند، و در این راه با روش‌شناسی خاصی سروکار ندارند" (۱۹۹۳: ۲۷). یکی از راهنماییهایی که او پیشنهاد می‌کند تقویت ارزشها در تفکر و عمل به عنوان تمهیدی برای متعادل کردن عقلانیت ابزاری^{۱۰۳} است.

جمیسیون^{۱۰۴} نیز به نقش ارزشها پرداخته است، او حجت می‌آورد که ارزشهای فردی کلید

معهدا، صورتهای روایی تمام مسایل را برطرف نمی‌کند؛ به‌رغم آن تهیه‌کنندگان صورتهای مالی باید از میان طیف گسترده اطلاعات دست به گزینش بزنند، و این انتخاب ناگزیر موکول و مشروط به ملاحظات سیاسی، رقابتی و مالی است. افزون بر این، صورتهای روایی معمولاً در کنار صورتهای عددی ارائه می‌شود و این امکان وجود دارد که هر دو از این همسایگی و مجاورت، و از این باور دیرپا که اعداد و ارقام حاوی اطلاعاتی سخت‌انکارناپذیر است، آسیب ببینند.

پس هر دو تفسیر سبزپرنگ و سبز کم‌رنگ از یک حسابداری جدید، در معرض انتقاد قرار دارد؛ هر دو رویکرد حل و فصل مسایل معنی‌دار را به نقطه‌ای از زمان موکول می‌کنند که ممکن است دیر باشد و زمان حل و فصل مسایل مبرم و عاجل نابودی محیط زیست به سر آمده باشد. وسوسه دوقطبی‌کردن^{۸۹} وضعیتهای یا منطق دوتایی^{۹۰} در مسیری گام برمی‌دارد که در نهایت وضعیت سبز پرنگ را به مثابه فریضه‌شناسی^{۹۱} و سبز کم‌رنگ را به مثابه فایده‌گرایی به رسمیت بشناسد.

از آنجا که توصیفات فریضه‌شناسی و فایده‌گرایی بسیار جذاب و اغواکننده است، لذا این شناسایی ممکن است در نهایت به یاس و ناامیدی بینجامد و فقط به تقویت واگرایی‌ها بین مکاتب سبزپرنگ و سبز کم‌رنگ دامن بزند، بی‌آنکه در مناظره و گفت و شنید این دو چشم‌اندازی به وضعیتی میانه یا منطق فازی عرضه شود.

در منطق فازی چشم‌اندازی به سوی گونه‌های سبز میانه گشوده می‌شود. در واقع با این منطق می‌توان از وضعیت صفر (سبز

سیستم حسابداری مالی آرک

آموزش نامحدود . سه ماه پشتیبانی . کاراخرتی مادام العمر

Ark

شرکت آرک

آفرینش رایانه کیهان (سایبر خاص)

دفتر مرکزی : ۲۲۵۶۵۴۶

۲۲۵۰۱۸۳ - ۲۲۵۳۹۷۱

سازمانهای خود موثر واقع شوند. نخستین گام در تغییر اتمسفر اخلاقی، دست کم، بازشناسی مسئله است: در این رابطه حسابداری بیانگر مسایل بحرانی خاص خود است از آن که کارورزان حسابداری قویاً معتقدند که رویه‌های عملی حسابداری تاثیری بر اخلاق ندارد، و آنها نمی‌توانند بین فضیلتها یا اخلاقیات فردی و فعالیت حرفه‌ای خود ارتباط برقرار کنند.

حسابداران همانگونه که می‌کوشند با وضع آیین‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای وجهه خود را نزد جامعه بهبود بخشند بهتر است قدری هم به مسئولیت اجتماعی خود در قبال مسایل زیست محیطی بنگرند و باور کنند که مشکلات زیست محیطی در پرتو ارزشها و اخلاقیات سریعتر برطرف خواهد شد.

بی‌نوشت

- 1- divergences
- 2- environment
- 3- biodiversity
- 4- species
- 5- green - house effects
- 6- Legget
- 7- habitates
- 8- Woodwell
- 9- end of the world
- 10- blinkered approach
- 11- Scientific approach to thinking
- 12- Descartes Philosophy
- 13- mind and body
- 14- mechanistic
- 15- reductionist
- 16- analytical
- 17- Capra
- 18- illusion
- 19- Birkin
- 20- Cartesian idea
- 21- Soulless and mechanical
- 22- Paractitioners
- 23- ideal of objective description
- 24- utility
- 25- happiness
- 26- utilitarianism
- 27- information assymetries
- 28- Williams
- 29- Gray et al
- 30- Outcomes
- 31- ex ante decisions
- 32- Smart
- 33- historical cost accounting model
- 34- asbestos dust

یافتن راه‌حلهایی برای مسایل به ظاهر مهارنشدنی رفاه و اقتصاد جهانی است: آنچه ما نیاز داریم ارزشهای جدیدی است که پیوندهای درون‌زندگی را بر روی سیاره‌ای با فن‌آوری بالا و مستراکم (سیاره زمین) بازتاب دهد^{۳۴۲:۱۹۹۳}. وی اظهار می‌کند که ارزشهای جدید باید با مفاهیم جدید مسئولیت همراه شود، آن‌سان که همه درک کنیم و بپذیریم که قدرت مشارکت در خیر و شر^{۱۱۵} را داریم، و اثرات خودمان را بر محیط زیست، ولو ناچیز و خرد، نادیده نگیریم. به زعم او با مراجعه به کارشناسان و خیرگان نمی‌توان از شر این مسایل رهایی یافت: "وقتی که مسایل اخلاقی دیده می‌شود، آنها مسایل همه ما هستند و نه مسایل "مدیریتی" که دولتها یا خیرگان امور (چه در مقام بازیگران سیاسی و چه در مقام کارگزاران اخلاقی^{۱۱۶} عادی) بتوانند برای ما حل کنند."

در استدلال جیمیسون مفهومی ضمنی نهفته است. نوعی دوگانگی بین نقشهای عمومی و خصوصی حسابداران (یا هر کس دیگری که به حرفه‌ای سنتی اشتغال دارد) وجود دارد. یک فرد عادی ممکن است تصمیماتی پرهیزکارانه (صرفه‌جویانه) درباره مصرف و روش زندگی خصوصی اتخاذ کند و این کاملاً متفاوت با تصمیمات او در کار باشد؛ این دوگانگیه باالخاص ممکن است برای حسابداران بروز کند، زیرا آنها اغلب در تولید داده‌هایی برای تصمیم‌سازی دخیلند. به طور مثال، وضعیتی را تجسم کنید که تحت آن یک حسابدار در تصمیم‌سازی در محیط کار مشارکت می‌جوید، او مجبور است براساس مجموعه‌ای از معیارهای نسبتاً ضعیف که از بالا تحمیل می‌شود، به خاطر بالا رفتن هزینه‌ها از راهبرد انهدام زباله‌های شرک صرف‌نظر کند؛ راهبردی که ابتدای آن بر دوستی با محیط زیست استوار است؛ او ممکن است این عدل را در تضاد اخلاقی با مجموعه ارزشهای شخصی خود (مبنی بر اهمیت حفاظت از محیط زیست) ببیند، اما ممکن است نتواند ارزشهای اخلاقی فردی خود را در تصمیم‌گیری در محیط کار وارد کند یا حتی در بازشناسی مسئولیت این "وارد کردن" ناتوان باشد.

از سوی دیگر ممکن است افراد بتوانند با تغییر تدریجی در اتمسفر اخلاقی حرفه‌ها و

- 10- Gray, R., Kouhy, R. and Lavers, S. (1995) 'Corporate social and environmental reporting: a review of the literature and a longitudinal study of UK disclosure', *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 8(2): 47-77.
- 11- Gray, R., Owen, D. and Adams, C. (1996) *Accounting & Accountability: Changes and challenges in corporate social and environmental reporting*, London: Prentice Hall.
- 12- Hines, R. (1991) 'On valuing nature', *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 4(3): 27-9.
- 13- Jamieson, D. (1993) 'Ethics, public policy and global warming', in E.R. Winkler and J.R. Coombs (eds) *Applied Ethics: A reader*, Cambridge, MA: Blackwell.
- 14- Leggett, L. (1990) 'Global warming: a Greenpeace view', in J. Leggett (ed.) *Global Warming: The Greenpeace report*, Oxford: Oxford University Press.
- 15- Maunders, K.T. and Burritt, R.L. (1991) 'Accounting and ecological crisis', *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 4(3): 9-26.
- 16- Ormerod, P. (1994) *The Death of Economics*, London: Faber & Faber.
- 17- Pearce, D., Markanya, A. and Barbier, E.B. (1989) *Blueprint For a Green Economy*, London: Earthscan Publications.
- 18- Power, M. (1992) 'After calculation? Reflections on Critique of Economic Reason by André Groz', *Accounting, Organizations and Society*, 17(5): 477-99.
- 19- Randers, J. and Meadows, D. (1993) 'The carrying capacity of our global environment - a look at the ethical alternatives', in G.D. Chryssides and J.K. Kaler (eds) *An Introduction to Business Ethics*, London: Chapman & Hall.
- 20- Reiter, S.A. (1995) 'Theory and politics: lessons from feminist economics', *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 8(3): 35-49.
- 21- Schumacher, E.F. (1974) *Small is Beautiful: A study of economics as if people mattered*, London: Sphere Books, Abacus edition.
- 22- Smart, J.J.C. and Williams, B. (1973) *Utilitarianism: For and Against*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 23- Wildavsky, A. (1994) 'Accounting for the environment', *Accounting, Organizations and Society*, 19(4/5): 461-81.
- 90- binary logic
- 91- deontological
- 92- rediscovery
- 93- "los virtue" of phronesis
- 94- techne
- 95- episteme
- 96- wisdom
- 97- sophia
- 98- nouo
- 99- rationality
- 100- value rationality
- 101- epistemic sciences
- 102- phronesis - Like methods
- 103- instrumental rationality
- 104- Jamiesan
- 105- good or ill
- 106- moral agent
- 35- Gray
- 36- scale of cost
- 37- models of capital maintenance
- 38- outcomes
- 39- inter- generational equity
- 40- Randers
- 41- Meadows
- 42- externalities
- 43- recognition
- 44- economic rationality
- 45- Schumacher
- 46- accounting measurements
- 47- groz
- 48- enough
- 49- more
- 50- less
- 51- Western lifestyle
- 52- redefining
- 53- Ormerod
- 54- Orthodoxy
- 55- Adam smith
- 56- theory of moral sentiments
- 57- calculative academic discipline
- 58- Positive research
- 59- normative research
- 60- feminist economics
- 61- Reiter
- 62- inherent male bias
- 63- view of world
- 64- output
- 65- normative bias
- 66- deep green prospective
- 67- pale green prospective
- 68- environmental movement
- 69- Power
- 70- anti - calculative strategy
- 71- post - industrial utopians
- 72- ecological
- 73- another pocentrism
- 74- Mauders
- 75- Burrit
- 76- world views
- 77- Cooper
- 78- incremental
- 79- gradual
- 80- relative
- 81- capital maintenance models
- 82- Pearce et al
- 83- Department of the Environment
- 84- ideal of sustainable development
- 85- physical environmental accounting
- 86- anti - utilitarianism
- 87- Villiams
- 88- narrative accounts
- 89- polarise

سابع

1- Aristotle (mid-4th century BC) *Ethics*, trans. J.A.K. Thomson, Harmondsworth: Penguin, 1976.

2- Birkin, F. (1996) "The ecological accountant: from the cogito to thinking like a mountain", *Critical Perspectives on Accounting* 7:231-57.

3- Capra, F. (1992) *The tao of Physics*, London: Flamingo.

4- Cooper, C. (1992) "The non and nom of accounting for (m) other nature", *Accounting Auditing & Accountability Journal*, 5(3): 16-39.

5- Flyvbjerg, B. (1993) 'Aristotle, Foucault and progressive phronesis: outline of an applied ethics for sustainable development', in E.R. Winkler and J.R. Coombs (ed.) *Applied Ethics: A reader*, Cambridge, MA: Blackwell.

6- Groz, A. (1989) *Critique of Economic Reason*, London: Verso.

7- Gray, R. (1990a) 'Accounting and economics: the psychopathic siblings. A review essay', *British Accounting Review*, 22: 373- 88.

8- ---- (1990b) *The Greening of Accountancy: The profession after Pearce*, London: Chartered Association of Certified Accountants, Report no. 18.

9- Gray, R. (1992) 'Accounting and environmentalism: an exploration of the challenge of gently accounting for accountability, transparency and sustainability', *Accounting, Organizations and Society*, 17(5): 399-425.

سیستم دبیرخانه . پایگاه آرک

آموزش نامحدود . سه ماه پشتیبانی . کاراخرتی مادام العمر

ARK

شرکت آرک

آفرینش رایانه، کیهان (میراث)

دفتر مرکزی : ۲۲۵۶۵۴۶

۲۲۵۰۱۸۳ - ۲۲۵۳۹۷۱

- Dame, IN: University of Notre Dame Press.
- 41- Mathews, M. (1995) 'Social and environmental accounting: a practical demonstration of ethical concern?', Journal of Business Ethics, January: 666.
- 42- Mintz, M. (1985) At Any Cost: Corporate greed, women and the Dalkon Shield, New York: Pantheon Books.
- 43- O'Kane, G. (1994) 'Green audits bring savings', Asian Business, July: 42.
- 44- Peters, R.S. (1975) 'A reply to Kohlberg', Phi Delta Kappan, June, 56(10): 678.
- 45- Pincoffs, E. (1986) Quandaries and Virtues, Lawrence, KS: University Press of Kansas.
- 46- Rest, J. (1979a) Development in Judging Moral Issues, Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- 47- --- (1979b) Revised Manual for the Defining Issues Test, MMRP Technical Report, Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- 48- --- (1986) Moral Development: Advances in research and theory, New York: Praeger.
- 49- --- (1988) 'Can ethics be taught in professional schools? The psychological research', Easier Said Than Done, Winter: 22-6.
- 50- Rubenstein, D. (1991) 'Lessons of love', CA Magazine, March: 36.
- 51- Sack, Robert J. (1985) 'Commercialism in the profession: a threat to be managed', Journal of Accountancy, October: 125.
- 52- Scribner, E. and Dillaway, M. (1989) 'Strengthening the ethics content of accounting courses', Journal of Accounting Education: 41-55.
- Srivastva, S. and Associates (1988) Executive Integrity: The search of high human values in organizational life, San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Stanga, K. and Turpen, R. (1991) 'Ethical judgements on selected accounting issues: an empirical study', Journal of Business Ethics, October: 739-47.
- Tinker, T. and Okcabol, F. (1991) 'Falling down the hole in the middle of the road: political quietism in corporate social reporting', Accounting, Auditing & Accountability Journal, 4(2).
- Velasquez, M. (1991) Business Ethics: Concepts and cases, Eaglewood Cliffs, NJ : Prentice Hall, 3rd edn.
- 24- Williams, B. (1972) Morality: An introduction to ethics, Cambridge: Cambridge University Press.
- 25- Woodwell, G.M. (1990) 'The effects of global warming' in J. Leggett(ed.) Global Warming: The Greenpeace report, Oxford: Oxford University Press.
- 26- Friedson, E. (1986) Professional Powers, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- 27- Gaa, J. (1986) 'User primacy in financial reporting rulemaking: a social contract approach', The Accounting Review, 435-54.
- 28- Gilligan, C. (1982) In an Different Voice: Psychological theory and women's development, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- 29- Grant, N. (1992) The Selling of Contraception: The Dalkon Shield case, sexuality, and women's autonomy, Columbus, OH : Ohio State University Press.
- 30- Habermas, J. (1970) 'Towards a theory of communicative competence', Inguiry, 30.
- 31- Hare, W. (1981) Open - mindedness and Education, Montreal, Que.: McGill-Queen's University Press.
- 32- --- (1985) In Defense of Open-mindedness, Montreal, Que: McGill Queen's University Press.
- 33- Halfon, M. (1989) Integrity: a philosophical inquiry, Philadelphia, PA: Temple University Press.
- 34- Heyne, P. (1968) Private Keepers of the Public Interest, New York: McGraw Hill.
- 35- Keniston, D. and Gerzon, M. (1972) 'Human and social benefits', in L. Wilson and O. Mills (eds) Universal Higher Education, Washington, DC: American Council on Education.
- 36- Kohlberg, L. (1969) 'Stages and sequences: the cognitive developmental approach to socialization', in D. Goslin(ed.) Handbook of Socialization Theory and Research, Chicago, IL: Rand McNally College Publishing Co.
- 37- Kurtines, W. and Greif, E. (1974) 'The development of moral thought, review and evaluation of Kohlberg's approach', Psychological Bulletin: 453-70.
- 38- Larson, M. (1977) The Rise of Professionalism, Berkeley, CA: University of California Press.
- 39- Lehman, C. (1988) 'Accounting ethics: surviving survival of the fittest', Advances in Public Interest Accounting, 2: 71-82.
- 40- MacIntyre, A. (1981) After Virtue, Notre